گفت‌وگو با عباس جدیدی در پایان عمر شورای شهر چهارم تهران

اهل شعر و ادبم

معصومه اصغری: می‌گوید حرفی را نگفته باقی نمی‌گذارم، اما وارد حاشیه‌ها هم نمی‌شوم، جواب همه سؤال‌هایی را که در این چهار سؤال در مورد عملکردش وجود داشته نمی‌دهد و برخی را با سر جواب می‌دهد تا صدایش ضبط نشود. عباس جدیدی، بیشتر به‌عنوان کشتی‌گیر شناخته می‌شود و در دوره‌ای به‌عنوان نماینده شورای شهر انتخاب شد. او در این چهار سال در موضوعات مختلفی یا حاشیه‌ساز بود یا حاشیه برایش درست کردند. از همان روزهای اول انتخاب شهردار و شائبه‌هایی که در مورد گرفتن چک‌های میلیاردی برای رأی به شهردار تهران ایجاد شد و اختلافش با ورزشکاران شورا گرفته تا دلایل اختلاف اخیرش با شهرداری تهران و برخی از اعضای شورای چهارم و دعوا و مشت‌زدن به صورت علیرضا دبیر و... از او سؤال کردیم، اما جدیدی ترجیح داد با پاسخ‌های جدی و کوتاه جوابگو باشد. او می‌گوید در مورد بسیاری از موضوعات شفاف و بدون پرده‌پوشی حرف زده تا همه مردم بفهمند، اما از درون و بیرون شورا، مخصوصا در آستانه انتخابات فضا را طور دیگری نشان دادند و از این مدل حرف‌زدن و رفتار او سوءاستفاده کردند تا تخلفات خودشان را پوشش دهند.

در ادبیات گفتاری‌تان گاهی از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌هایی استفاده می‌کنید؛ مثل ضرب‌المثل معروف شاخ بز، این ادبیات از کجا نشئت گرفته؟

بعضی اوقات یک بیت شعر کار گزارش‌های طولانی را می‌کند. من اهل شعر و ادبم، شعرهایی هم می‌گویم، تألیفات را دوست دارم و کتاب هم دارم. من اهل تحقیق‌ام و نوشتن را دوست دارم. در خانواده‌ای هم بوده‌ام که این ادبیات شعرگونه و تمثیل‌گونه وجود داشته است.

اینها ربطی به سابقه کشتی‌گیربودن شما هم دارد؟

(با خنده) بله خب. البته این در فرهنگ ما زیاد بوده و الان کم شده است. اینها نوعی فن بیان است اما عده‌ای از این توانایی برداشت سوء می‌کنند. فضایی که در آستانه انتخابات برای این حرف‌ها علیه من به‌راه افتاد درست نبود. وقتی می‌گویم عده‌ای نمی‌توانند دو تا شاخ بز را از هم سوا کنند، به این معنی است که عده‌ای در کاری که تخصص ندارند دخالت می‌کنند و این توهین به کسی نبود و من سعی کردم با ضرب‌المثل بگویم اما برخی به آن شاخ و برگ دادند و علیه من استفاده کردند. ممکن است بیان من بد بوده باشد، اما اصل حرف درست است. البته من درباره این موضوعات بیشتر سکوت می‌کنم.

از میان ۳۱ عضو شورا شما و ورزشکاران دیگر توانستید یک گروه و همراه باشید؟ نظر من این است که همراه نبودید؛ حالا خودتان بگویید!

از باب ورزشی‌بودن برای من قابل احترام هستند، ولی از باب کار و عملکرد شورایی نمی‌خواستم به آنها نزدیک شوم؛ چون اختلاف سلیقه داشتیم و نمی‌خواستم در باند و گروهی انحصاری قرار بگیرم.

پس باندی وجود داشت؟

باز نکنید.

از ابتدای دوره این اختلاف وجود داشت یا در ادامه ایجاد شد؟

از ابتدا بود.

در روزهای قبل انتخابات شورا مطرح می‌شد که اعضای ورزشکار عملکرد خوبی نداشتند و همین باعث عدم اقبال مردم به آنها شد، این حرف را قبول دارید؟

(با سر اشاره می‌کند که جواب نمی‌دهد!)

در این چهارسال مطرح بود که برخی از هر دو طیف اصلاح‌طلب و اصولگرا نسبت به شهرداری تهران همسویی زیادی دارند، این موضوع را قبول دارید؟

وقتی من بارها تأکید می‌کردم اعضا باید گزارش عملکرد بدهند و هیئت‌رئیسه و آقای چمران قبول نمی‌کردند، برای رفع همین شبهه‌ها بود تا مشخص شود چه کسانی تذکر و پیگیری داشته‌اند، چه کسانی به خاطر مردم با شهرداری گلاویز شده و چه کسانی نشسته‌اند تا هرچه شهرداری گفت، دستشان را بالا ببرند. چرا می‌خواهید از زبان من این حرف‌ها بیرون بیاید!

این موضوع را چقدر درباره هیئت‌رئیسه صادق می‌دانید؟

نمی‌توانم این را بگویم. اما شاید اگر گزارش عملکرد هر عضوی در جلسه علنی ارائه می‌شد، بسیاری از این شبهه‌ها برطرف می‌شد. این سؤال، سؤالی کلیدی است.

خودتان نخواستید در لیست اصولگرایان باشید یا قرار نبود باشید؟

موضوعاتی پیش آمد؛ یک خط فکری وجود داشت و هر جریانی لیستی داد و لیست امید بازی را برد. وقتی سیلی می‌آید، کسی جلودار آن نیست.

سیل مردم را می‌گویید؟

بله. اقبال مردم به سمت این خط فکری بود و کسی نباید از این واقعیت ناراحت شود. آنها بازی را بردند و نوش‌جانشان!

پس معتقدید چون در آن لیست نبودید، انتخاب نشدید؟

من بین سه‌هزار و صد کاندیدا که در هیچ لیستی نبودم، نفر پنجاه و دوم شدم و در آن فضای انتخاباتی اتفاق خوب و نادری بود. به نظر من با آن هجمه و فشاری که بین همه ورزشی‌ها فقط روی من بود، یک برد حساب می‌شود؛ یعنی من و عکس‌هایی که از من مونتاژ می‌کردند و می‌کنند، برای پوشش کارها و نقص‌های خودشان بود. این جفایی بود که در حق من شد. عکس‌هایی از من مونتاژ می‌کردند، انگار من قرار است بیایم رئیس‌جمهور شوم یا جای کسی را قرار است تنگ کنم. عده‌ای آن‌قدر از من در انتخابات ترسیده بودند که یک گروه خبری را گذاشته بودند تا فقط علیه من فضاسازی کنند.

> **من بین سه‌هزار و صد کاندیدا که در هیچ لیستی نبودم، نفر پنجاه‌ودوم شدم و در آن فضای انتخاباتی اتفاق خوب و نادری بود. به نظر من با آن هجمه و فشاری که بین همه ورزشی‌ها فقط روی من بود، یک برد حساب می‌شود؛ یعنی من و عکس‌هایی که از من مونتاژ می‌کردند و می‌کنند، برای پوشش کارها و نقص‌های خودشان بود. این جفایی بود که در حق من شد**

در مدت عضویت در شورا بارها درباره محدودیت‌های قانونی برای نظارت و اجرا صحبت داشتید، چه مسائلی و از چه منظری بود؟

این مسائل دغدغه اعضای قبل و بعد از من هم بوده و هست. مسئله این است که نقص قانون باعث می‌شود جایگاه و منزلت اعضای شورای شهر تا قبل از انتخاب شهردار مطرح باشد و تا آن زمان با آنها کار دارند و دیگر از آن به بعد که رأی را گرفت، دیگر کارش با شورا تمام است. قانون گفته تنها ابزار قدرت ما در مقابل شهردار استیضاح است اما آیا شرایط برای استیضاح فراهم می‌شود؟ درحالی‌که باید دوسوم آرای اعضا باشد؛ اصلا شدنی است؟ این به خواب شباهت دارد. اگر مدل عزل و نصب و استیضاح شهردار را هم مدل دولت بگذارند، شرایط تغییر می‌کند.

قبول دارید که در این چند دوره اخیر، اعضا تلاشی در جهت این تغییر یا رسیدن به دوسوم آرا برای استیضاح نداشتند یا اگر بود رأیشان زده می‌شد؟

بله. چون می‌دانند که شدنی نیست و هر شهرداری باشد، حداقل یک‌سوم آرا را به نحوی به دست می‌آورد. به‌عنوان نمونه اگر تنها هفت نفر از ۲۱ نفر شورای پنجم را با خود همراه داشته باشد، برایش کافی است و دیگران در همه آن چهار سال صبح تا شب برای خودشان حرف بزنند و اعتراض کنند، خیالش راحت است و نیازی به آنها ندارد. واقعیت این است که اعضای شورا را خلع سلاح کرده‌اند و شورا فقط ویترین بوده است.

سؤال این است که برای فشار به شهردار فقط همین یک راه بود؟ چرا اقدامات و راه‌های دیگری را امتحان نکردید؟

کاری نمی‌توان کرد؛ مثلا درباره چند تذکر اخیری که من در صحن شورا دادم، تلاش کردم تا تذکرم را کتبا به رئیس شورا ارائه دهم و تبدیل به سؤال از شهردار شود که برای این کار نیاز به امضای سایر اعضا دارم؛ اما مگر سایر اعضا همکاری می‌کنند. نه؛ نمی‌کنند؛ چون نمی‌خواهند آدم بد ماجرا شوند، آدم بد فیلم من می‌شوم و آدم خوب آنها می‌شوند که سکوت می‌کنند. اگر شهردار بداند که با رأی نصف بعلاوه یک رأی می‌تواند عزل شود، سؤال ما را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. البته در لایحه مدیریت شهری که در حال بررسی در دولت است، امیدواریم برای اعضای بعدی این روند اصلاح شود. ما هر شهردار منطقه‌ای را که کار داریم، جوابمان را نمی‌دهد و می‌گوید جوابتان را از شهردار تهران بگیرید، شهردار تهران هم که می‌گوید من رأی خود را دارم، خیالم راحت است هر کاری دلتان می‌خواهد، بکنید یا اینکه هر کاری کرده‌ام، خوب کرده‌ام.

شما عضو کمیسیون تازه‌تأسیس حقوقی و نظارت هستید. چقدر برای گرفتن گزارش درباره موضوعات مختلف معطل ماندید یا به شما بی‌توجهی می‌شد؟

ما واقعا اذیت شدیم. در اکثر گزارش‌ها و موضوعاتی که حساسیت از طرف مدیریت شهری وجود نداشت، آمار و اطلاعات لازم ارائه می‌شد.

حساسیت یعنی چه؟

یعنی درباره مسائل مالی، بودجه، املاک و برخی موارد دیگر به‌هیچ‌عنوان اطلاعات کافی نمی‌دادند.

من به یاد ندارم که غیر از مواردی که شما جداگانه در صحن شورا اعلام می‌کردید، آقای سروری به‌عنوان رئیس کمیسیون چنین مواردی را تذکر ندادند!

چه عرض کنم، من می‌توانم درباره عملکرد خودم صحبت کنم. معاونت نظارت در حیطه کار من است. ضمن اینکه کار شورا گروهی است تا اگر من در موضوعی به نتیجه می‌رسم، عده‌ای دیگر پشت سر من باشند تا به نتیجه برسیم.

یعنی این همراهی در کمیسیون خودتان هم وجود نداشت؟

حالا بگذارید وارد این مسائل نشویم. البته باید گفت که با توجه به حجم کارها و محدودیت‌های قانونی افراد را ناامید از پیگیری و محکوم به ناکارآمدی می‌کند.

در این سال‌ها بسیاری از اعضای شورای شهر به این نتیجه رسیدند که در نهایت برای جبران این بی‌کفایتی قانون بهترین کار اعلام موضوعات و افشاگری در صحن علنی و در ارتباط با رسانه‌هاست؟ شما هم به همین نتیجه رسیدید؟

بله. راه دیگری نبود؛ هرچند این موضوعات در قالب یک خبر است و می‌توان از ارگان‌های نظارتی هم استفاده کرد و من تقریبا بیشتر موضوعات را برای سازمان بازرسی کل کشور ارسال کرده‌ام. درباره واگذاری‌های املاک از سال ۱۳۸۰ به بعد که موارد زیادی به شکل اجاره، نگهداری یا فروش به اشخاص حقیقی و حقوقی داده شده، فهرست خواستم اما ندادند. من هم دیدم هیئت‌رئیسه حمایت نمی‌کند و اعلامش در شورا هم تأثیری ندارد، به سازمان بازرسی کل کشور ارسال کردم تا آنها دنبال کنند. از این موضوع چندین ماه می‌گذرد و هنوز جوابی نگرفته‌ام. غیر از این موارد در بودجه‌های سنواتی هم موارد زیادی از تخلف وجود دارد؛ مثلا کد پروژه‌هایی که به برخی از افراد و شرکت‌ها داده‌اند، برای چه کسانی بوده، خصوصی بوده یا اسنادی وجود دارد؟ این ردیف‌ها و کد پروژه‌ها پول مردم است که باید مشخص باشد برای چه کاری و دست چه کسانی بوده است؟ اینها پول مردم است و باید مشخص باشد.

این کد پروژه‌هایی که می‌گویید، چه تعداد هستند؟

من بیش از ۵۰ مورد آنها را استخراج کرده‌ام که هیچ توجیهی ندارد. این کد پروژه‌ها در همه حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی و مذهبی و ورزشی و... بوده است.

ادامه در صفحه ۱۷

من و اماس

علم بهتر است یا ثروت؟!

مریم پیمان

• یا من احاط بکل شیء علمه. انگشت اشاره‌اش را به‌آرامی و بااحتیاط روی نبض دست چپم می‌لغزاند. چشم‌هایش محو عقربه‌های رقصان دستگاه فشارسنج می‌شود. «نفس عمیق بکش!» پاهایم بی‌جان و یله از تخت آویزانند. نفس می‌کشم در هوایی پاک‌تر و خنک‌تر از این روزهای تهران. «چیزی نیست. گرمازده شدین». کیلومترها برای دیدن علی و خانواده‌اش آمدم. شاید از پشتکارش بیاموزم. سنگینی نگاهم را احساس می‌کند. نگاهی می‌کند و روی صندلی می‌نشیند. به تصویر و هشدارهای نشسته بر دیوار خیره می‌شود. بیماران پشت در اتاق منتظر و پرسش‌های من در گلویم خشک شده‌اند. گوشی معاینه را از گردنش درمی‌آورد و روی میز می‌گذارد. «پدرم سرطان معده داشت و مرد. آن‌موقع ۱۷ ساله بودم و خواهر و برادرم خیلی کوچک». از راه سخت ۹ساله‌ای برایم می‌گوید؛ راهی که امروز او را به آخرین قدم‌های پزشک‌شدن رسانده است. به موزاییک‌های زمین خیره می‌شوم. «بعد از سه سال تصمیم گرفتم، تعلل نکنم و با تغییر دانشگاه از سنندج به کرمانشاه، هم در کنار خانواده‌ام باشم و هم درس را رها نکنم». لحظه‌ای مکث می‌کند. گویی کیلومترها فاصله دو شهر برای او فرسنگ‌ها راه سخت و تنهایی بوده است. «نگران خواهر و برادرم بودم. مادرم تنها بود. شاید اگر نزدیکشان نبودم، برادرم هم قید درس را می‌زد و امروز دانشجوی علوم آزمایشگاهی دانشگاه کرمانشاه نبود. فقط غصه خواهرم را داریم. مادرم تنهاست و او نمی‌تواند به درسش بعد از دیپلم ادامه بدهد». ۲۶ساله به نظر نمی‌رسد. چشمانش خسته‌تر از این عدد است و امید و توکلش بی‌نظیر. از مادرش می‌پرسم؛ «پدرم چوپان بود. وقتی مرد، مادرم ۳۰ ساله بود. خانه محقر و ساده‌ای داشتیم، با سقفی چوبی که طبقه زیرین آن‌هم محل نگهداری چند رأس گوسفند و بز بود. مادرم برای گذران زندگی شروع کرد به فروش گوسفندان، پس از مدتی کوتاه با فروش همه آنها ما باز هم دست‌خالی ماندیم. به کمیته امداد و مسجد و خیریه سر زدیم، حدود سه‌سالی طول کشید که پیگیری‌های لازم انجام شد و تحت حمایت کمیته قرار گرفتیم، اما هزینه تحصیل و کتاب‌های گران پزشکی را خیریه‌ای در تهران می‌دهد». به انگشتان کشیده‌اش نگاه می‌کنم که ورق‌های کتاب قطوری را به بازی گرفته است. سکوت می‌کنم. سلامتی و آرامش، دو گمشده‌ای است که او دنبال می‌کند و خوشبختی را با آنها معنا. «در دوره دبیرستان افت تحصیلی هم داشتم، اما با کمک معلمانم توانستم رتبه سه‌رقمی را به دست بیاورم». تردید بین ثروت و علم برای او معنا ندارد و با یک جمله جایی برای هیچ پرسش و شکی باقی نمی‌گذارد؛ «هیچ‌وقت از ذهنم پاک نمی‌شود، حضرت علی(ع) می‌فرماید که علم بهتر است چون ثروت را تو باید نگه داری، ولی علم تو را نگه می‌دارد». باز از مادرش می‌پرسم؛ تلفن را به دستم می‌دهد. سه، چهار، پنج. بالاخره جواب می‌دهد. معنای واژه‌ها را از لابه‌لای لهجه غلیظ کُردی به دشواری استخراج می‌کنم. فقط می‌دانم که قربان‌صدقه می‌رود و دعا می‌کند. تازه از چراندن دو، سه رأس بز بازگشته است. به سفره‌اش دعوت می‌شوم.

یادداشت

چرا ما به راهبران زن نیازمندیم

ترجمه: مهدی بهلولی

• نیکلاس کریستف، ستون‌نویس نیویورک‌تایمز، پنج سال پیش در پاسخ به این پرسش که وجود راهبران زن مهم است یا نه، گفت: «کارآمدترین روش برای مبارزه با فقر جهانی، کاهش درگیری‌های اجتماعی و حتی کاهش انتشار گازهای آلاینده در درازمدت، مانند همیشه، سرمایه‌گذاری بر آموزش دختران و آوردن زنان به درون نیروی رسمی کار است». من نیز، که زندگی‌ام را صرف کمک‌های انسان‌دوستانه و توسعه جهانی کرده‌ام، می‌توانم ثابت کنم قرارگرفتن زنان در موقعیت‌های هدایت‌گری در برنامه‌ریزی توسعه، تضمین می‌کند که منابع منصفانه و کارآمدانه تخصیص خواهند یافت. چرا؟ شواهد نشان می‌دهند که مدیران زن، اغلب دلسوزی و همدلی بیشتر و شیوه گفت‌وگوی باز و دربرگیرنده‌تری دارند. البته این ضرورتا برای همه زنان درست نیست؛ برخی شیوه‌های متفاوت دیگری هم وجود دارد. شواهد می‌گویند که ایده‌های جدید مدیریت دگرگون‌ساز، با کیفیت‌هایی که معمولا زنان در آن مشترک هستند-مانند همدلی، فراگیرندگی و شیوه گفت‌وگوی باز- همخوانی بیشتری دارند. در کشورهای توسعه یابنده، داشتن زنان در پشت میز مدیریت، بر چگونگی مصرف منابع- هم از رهگذر تلاش‌ها برای درنظرگرفتن بودجه‌های جنسیتی و هم برای مواردی مانند تغییرات آب و هوا- تأثیر می‌گذارد. این نشان می‌دهد که چگونه زنان، در تجربه جهان توسعه‌یابنده، متفاوت با مردان عمل می‌کنند. برای نمونه، درگیری زنان در جنبش تغییرات آب و هوا، به سیاست‌گذاری بهتر انجامیده است و به راه‌حل‌هایی مانند بهره‌گیری از اجاق‌های آشپزی خورشیدی دامن زده است. رهبری زنان، همچنین به پیشبرد تغییرات مستقیم در سیاست‌های ساختاری، از جمله مرخصی برای پدر و مادر، نگهداری از کودکان، و حقوق و دستمزد کمک کرده است. همان‌گونه که سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) یادآوری می‌کند: «زنان در سنجش با مردان، اغلب میزان بیشتری از درآمدشان را صرف خانواده و اجتماعشان می‌کنند». آژانس آمریکایی توسعه جهانی (USAID) نیز می‌گوید وقتی: «دختران ۱۰ درصد بیشتر به مدرسه می‌روند، تولید ناخالص داخلی کشور، به طور متوسط، سه درصد افزایش می‌یابد». افزون بر اینکه وقتی زنان به یک میزان با مردان از امکانات برخوردار باشند: «بازدهی محصولات ۱۰ درصد افزایش می‌یابد». در کانادا، پژوهشی درباره اثر زنان در خدمات عمومی، نشان داد که زنان اثر آشکاری بر «سیاست، برنامه‌ها، و زمینه‌هایی مانند منطقه‌های ماهیگیری، صنعت خودرو، امنیت ملی، منابع طبیعی، محیط زیست، علم، منابع انسانی و روابط بین‌الملل» داشته‌اند. این پیامدها، نه‌تنها از فراگیری چشم‌اندازهای زنان بلکه از شیوه‌های رهبری آنان که باز، گروهی و کمترسلسله‌مراتبی است، نیز ریشه می‌گیرد. خوشبختانه، پیشرفت‌های چشمگیری برای زنان در نقش‌های مدیریت و به‌طورکلی در نیروی کار، رخ داده است. راهبران زن، شیوه‌هایی که با آنها راه‌حل‌های جهانی به دست می‌آیند را دگرگون می‌کنند. اهمیت مطرح‌کردن این موضوع در همین است. انصاف و برابری، به خودی خود، هدف‌هایی ارزشمند هستند و زنان، پیوسته ثابت کرده‌اند که از جنبه‌هایی مهم، توانایی سودرساندن به سیاست را دارند. اما داشتن مدیران زن بیشتر- از سیاست گرفته تا اتاق‌های هیئت مدیره- به یک دلیل دیگر نیز مهم است. داشتن مدیران زن، هنجارها را درباره کسی که می‌تواند رهبری کند و کیفیت‌هایی بایسته برای رهبری را دگرگون می‌کند.

نویسنده: گوئن یانگ، سی‌ان‌ان، ۲۰۱۶

جدول ۲۸۸۴ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- اردوگاه- بسته شده- خدشه‌دار ۲- آشکار و واضح- خیابان مشجر- بوزینه آدم‌نما ۳- رشوه دادن- هادی الکتریسیته- الی آخر ۴- گروه محافظ مقام‌های بلندپایه- سوگواری- برتری ۵- ساخته شده از خاک رس- مترسک- سودای ناله ۶- زمینه- پایتخت کانادا- زمزمه‌کننده ۷- محل آموزش اسب سواری- نامی پسرانه- آماده و مهیا ۸- دستگاهی برای پخش صدا- مجموعه شعری سروده هوشنگ ابتهاج- درخت همیشه سبز ۹- داد و فریاد- خوابیده- کشف‌کننده ۱۰- زادگاه- به نرمی رفتارکردن- ناپایدار ۱۱ - حالت عاطفی- پایتخت سوریه- پایتخت کشور زیمبابوه ۱۲- یگانه- جام ورزشی- ترکیب شیمیایی آبدار ۱۳ - حرکت به شیوه کرم- جانور بی‌مهره دریایی- از فروع دین اسلام ۱۴- سرخ پوست‌های مهاجم آمریکای شمالی را می‌گفتند- اثرگذار- آماس ۱۵ - نوعی کارد نوک‌تیز- استخوانی در گوش- اثر چربی.

عمودی:

۱- ناراست- گوش‌کردن- جانور ۲- شیره چغندر- درشت و قابل دیدن با چشم غیرمسلح ۳- نوعی شیشه مقاوم در برابر گرما- کاشف دینامیت- سعی ۴- سیستم گرمایش با موتورخانه مرکزی و رادیاتور- خدمتکار پیر- گفت‌وگوی اینترنتی ۵- نوعی طلاق- شریک- فرمانده ۶- کلیدی در موسیقی- به هم برخوردکردن- سپاسگزاری ۷- بعید- نخستین میزبان بازی‌های المپیک- سلسله آغامحمدخان ۸- فراخ و گشاده- پیچیدگی- ضدحمله ۹- طول- گریخته از روی ترس- کاشتن بوته برنج ۱۰- پشیمان- عدد- تیر پیکاندار ۱۱- پیشوندی معادل میلیون- همدل و هم عقیده- مشورت ۱۲- عادت- تکراری- وسیله‌ای برای پهن‌کردن بتونه روی دیوار ۱۳- طویل- سازمان فضانوردی آمریکا- پیشتاز لشکر ۱۴- کاشف سیاره اورانوس- رود جاری در خراسان شمالی ۱۵- بی‌نظم و ترتیب- کامیابی و پیروزی- ابر نزدیک زمین.

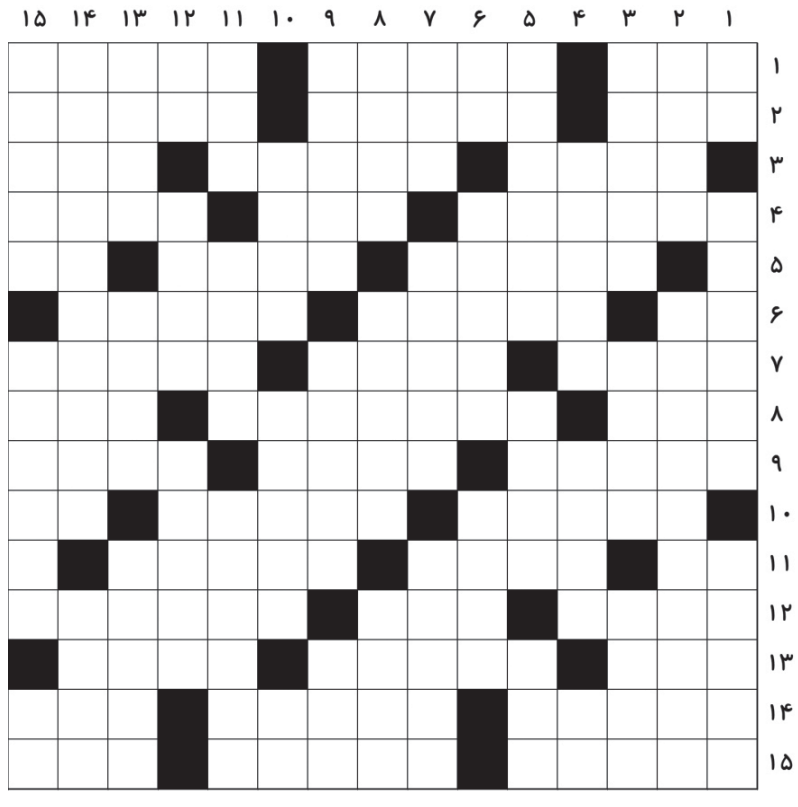

حل سودوکو سخت

۶	۳	۷	۱	۲	۹	۸	۴	۵
۲	۴	۱	۳	۸	۵	۷	۶	۹
۸	۹	۵	۴	۷	۶	۳	۲	۱
۳	۷	۶	۸	۴	۱	۹	۵	۲
۴	۸	۲	۹	۵	۷	۱	۳	۶
۵	۱	۹	۶	۳	۲	۴	۷	۸
۷	۶	۸	۲	۱	۳	۵	۹	۴
۹	۵	۴	۷	۶	۸	۲	۱	۳
۱	۲	۳	۵	۹	۴	۶	۸	۷

حل سودوکو ۱۸۷۹

۸	۶	۴	۱	۳	۹	۷	۵	۲
۷	۲	۹	۸	۵	۶	۴	۱	۳
۳	۱	۵	۴	۷	۲	۶	۸	۹
۹	۴	۸	۶	۱	۵	۲	۳	۷
۱	۳	۷	۲	۹	۸	۵	۶	۴
۲	۵	۶	۳	۴	۷	۱	۹	۸
۵	۸	۳	۷	۶	۴	۹	۲	۱
۶	۷	۲	۹	۸	۱	۳	۴	۵
۴	۹	۱	۵	۲	۳	۸	۷	۶

جدول ۲۸۸۳

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
ت	ش	ت	■	م	و	ر	د	ن	س	■	ی	د	ص	ت	۱
ا	ی	ق	ش	ا	■	ل	و	ق	ع	ل	ا	ف	ح	ت	۲
ر	■	ا	ه	ن	ا	■	ت	ا	ی	ب	■	ت	ا	و	۳
خ	ن	ر	س	■	د	ش	ا	ر	■	ن	گ	ر	ب	■	۴
■	و	ن	و	م	ی	ک	■	ه	ی	ا	م	■	ه	گ	۵
س	ب	■	ا	و	ت	س	ا	■	ا	ن	ا	م	■	ل	۶
ن	ا	ز	ر	ل	■	پ	ا	ی	ت	■	ن	ا	م	ه	۷
ت	و	ب	■	د	ل	ی	ف	ر	ا	گ	■	ر	ق	م	۸
ه	ه	ا	ل	■	و	ر	و	ی	■	ر	و	ش	ا	ن	۹
ل	■	ن	ا	م	ر	■	ن	ا	گ	م	ی	■	ب	د	۱۰
ن	ت	■	ن	ش	ل	گ	■	ن	ل	ک	ن	ی	ل	■	۱۱
■	ی	ن	ه	ر	■	و	ه	ا	ی	■	د	ا	ه	ن	۱۲
ز	ا	ف	■	و	ر	ب	ا	■	ن	ط	و	م	■	ا	۱۳
ی	م	ت	ا	ح	ا	ل	ی	ل	■	ا	ز	ا	ر	د	۱۴
د	ن	ا	ب	■	د	ن	ل	ب	ر	س	■	ل	ی	ی	۱۵

سودوکو سخت ۱۸۸۰

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۷		۴			۸		
۹			۳		۷		۵	۴
۱				۹				۲
۶					۱			۳
۴			۲		۸			۶
۵							۸	
۷	۵		۱				۶	
				۶	۹		۲	
			۵		۴			

سودوکو ۱۸۸۰

		۹	۲		۱		۶	۸
۱	۶	۲				۳		
۵	۸	۳		۶				
			۹		۶	۲		
			۳		۲	۸	۱	۴
	۷	۴			۵		۹	
۴		۷	۶	۵	۸		۳	
				۹	۷		۵	۲
			۴		۳		۸	

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.